

جوان و مدگرایی - 1

<"xml encoding="UTF-8?">

شاید شما هم با این مساله روبرو شده اید که وقتی بعضی از جوانان به دلیل پوشیدن لباس های غیرمعمول و یا اصلاح و آرایش خاص موی سر و صورت و انجام دادن برخی رفتارهایی که با فرهنگ و رسوم اجتماعی ما همخوانی ندارد مورد اعتراض قرار می گیرند، عمل خود را به عنوان مد و مدگرایی توجیه می کنند. جای شگفتی است که نه تنها برخی افراد به محض شنیدن چنین پاسخی قانع می شوند و از پی گیری موضوع خودداری می کنند، بلکه در مواردی هم مشاهده می شود که عده ای از آنان، بدون توجه به آثار و پیامد این قبیل رفتارها، درصددند که خود نیز از آن شیوه تبعیت کنند. روشن است که این قبیل تقلیدهای کورکورانه در موارد بسیاری، برای فرد و جامعه رفتاری ها و مشکلات زیاد فرهنگی و اقتصادی ایجاد می کند. به گونه ای که در نتیجه بی توجهی به این مساله، گاهی اساس نظام اعتقادی و کیان نظام اجتماعی جامعه دچار خطر و انحراف می شود و به موازات سست شدن بنیان های اجتماعی، زمینه تسلط فرهنگی و به دنبال آن، تسلط سیاسی استعمارگران فراهم می شود.

به منظور آشنایی هرچه بیش تر اقشار مختلف مردم، به ویژه قشر جوان جامعه به مساله مد و نتایج و پیامدهای مدگرایی و نیز اهداف و نقشه های شوم مروجین پدیده مدسازی در جهان نیم نگاهی به این بحث می افکنیم: بدان امید که همه اقشار جامعه اسلامی جهت حفظ سلامت سرمایه های فکری و اعتقادی خویش، ابعاد مختلف این مساله را با دقت مورد مطالعه قرار دهند. و راه چاره و مکانیسم مبارزه با آن را دریابند.

الف. مد چیست؟

واژه مد در لغت به معنای سلیقه، اسلوب، روش و شیوه و... به کار می رود و در اصطلاح، عبارت است از روش و طریقه ای موقتی که براساس ذوق و سلیقه افراد یک جامعه و سبک زندگی از جمله شکل لباس پوشیدن، نوع آداب پذیرایی و معاشرت و تزیین و معماری خانه و... را تنظیم می نماید. (1)

بنابراین، می توان گفت: مد به تغییر سلیقه ناگهانی و مکرر همه یا بعضی از افراد یک جامعه اطلاق می شود و منجر به گرایش به انجام رفتاری خاص یا مصرف کالای به خصوصی یا در پیش گرفتن سبکی خاص در زندگی می شود.

از بررسی ابعاد مختلف حیات اجتماعی بشر می توان گفت: پدیده مد اولاً، همیشه در تاریخ بشر بوده است و منحصر به دوره معاصر نیست. ثانیاً، هرگاه این پدیده در هر دوره ای از تاریخ آگاهانه و با گزینش و انتخاب و با توجه به فرهنگ و چارچوب های فکری و اعتقادی جامعه صورت گرفته نه تنها موجب پیدایش نارسایی های فرهنگی و اجتماعی نشده بلکه به عنوان یک دست آورد اجتماعی، به نوبه خود به رشد و تعالی فرهنگ و تمدن جوامع کمک های زیادی نموده است و زمینه آراستگی مناسب جنبه ظاهری زندگی مردم و افراد را فراهم کرده است. در یک کلام، مدگرایی مثبت، به معنای اقتباس از پیشرفت های اجتماعی دیگران و به کار بردن دستاوردهای مثبت تمدنی دیگران، ضمن برطرف ساختن زشتی ها و کاستی های حیات اجتماعی، از دچار شدن

زندگی انسان ها به یک نواختی خسته کننده پیش گیری کرده و روز به روز بر استحکام بیش تر پایه های زندگی دسته جمعی آن ها کمک نموده و از پدید آمدن رفتار و شیوه های ناخوشایندی که موجب دوری و یا نفرت و انزجار افراد از یکدیگر می گردد جلوگیری به عمل می آورد.

ب. ریشه های مدگرایی

آفرینش انسان به گونه ای است که همواره او از حالت یک نواختی گریزان بوده و در مقابل، همیشه از تحول و نوآوری و تنوع در شکل و شیوه زندگی استقبال می کند. این تمایل در حالت عادی و در صورتی که پذیرش تحول و نوآوری از روی آگاهی و به صورت تدریجی آرام صورت پذیرد، ظاهر زندگی آدمی را خوشایند و دلپذیر می سازد. بنابراین، می توان گفت میل به خودآرایی و زیباسازی محیط زندگی امری فطری است که به برکت آن هم زمینه آراستگی صورت ظاهری محیط زندگی انسان فراهم می گردد و هم انگیزه تعالی و تداوم زندگی اجتماعی و روابط صحیح انسانی تقویت می شود. و بدین سان عواملی که موجب ایجاد نفرت و انزجار افراد از یکدیگر و یا موجب یکنواختی زندگی بشر می شوند از محیط حیات اجتماعی دور شده و جنبه های مثبت کمال خواهی و زیبایی دوستی فطری انسان روز به روز شکوفاتر می گردد.

البته از این نکته نیز نباید غافل شد که گرچه یکی از جلوه های کمال جویی و زیبایی دوستی انسان به ویژه در دوره جوانی توجه به زیبایی ظاهر است اما باید مراقب بود که این فرایند، از حالت طبیعی خود خارج نشود. زیرا همه استعدادهای فطری اگر از حالت طبیعی و معقول خود خارج شوند، جنبه انحرافی پیدا کرده، آثار سویی به بار می آورند.

به عنوان مثال میل به خودآرایی، که ریشه در کمال جویی و زیباپسندی فطری انسان دارد، اگر از روی غفلت و یا در نتیجه افراط و تفریط یا تحت تاثیر القاءات غلط عوامل جانبی از مسیر طبیعی و درست خود خارج شود، سر از اموری چون خودنمایی، فخر فروشی، خودپرستی و مدپرستی و... در می آورد. عواملی که هر یک از آن ها به نوبه خود، موجب پیدایش انواع نارسایی ها و هوس بازی ها و رقابت های غلط و اسراف و تبذیرها خواهد شد و انسان را به حیوانی پست تبدیل خواهد کرد.

بنابراین در تبیین ریشه مدگرایی می توان گفت که پیروی از مد و زیبایی خواهی و تنوع پسندی ریشه در نهاد انسان دارد که نیازهایی چون تنوع و زیباخواهی و کمال جویی فطری منشا اصلی آن محسوب می شود. اما صورت های افراطی رایج این گرایش، که تحت عنوان مدپرستی شناخته می شود، در نتیجه جهل و ناآگاهی و ضعف ارزش های معنوی و تبلیغات وسیع دشمنان و خودباختگی و تقلید کورکورانه از دیگران و یا آلوده شدن به رذایلی چون خودنمایی، فخرفروشی، احساس حقارت و خود کم بینی و... پیش می آید که برای افراد جامعه بسیار خطرناک است و باید از آن پرهیز نمود.

ج. اسلام و مدگرایی

به یک بیان، رسالت اسلام به عنوان یک مکتب کامل الهی، پاسخ گویی صحیح به تمام خواست های فطری و نیازهای اصیل انسانی است. بر این اساس، در مجموعه تعالیم اسلامی از جمله در آیات قرآنی به مساله زینت و جمال و زیبایی عنایت خاصی مبذول شده است. از تامل در این بخش از معارف اسلامی، چند اصل کلی بسیار

مهم مربوط به موضوع خودآرایی و زینت به دست می آید:

1. حس زیبایی یکی از ویژگی های مخصوص انسان است که ریشه در فطرت او دارد و به اقتضای این امر از دیدن هرگونه زیبایی لذت می برد. بی تردید منشا تمام هنرهای انسانی همین حس است که در هر دوره موجب به وجود آمدن یک سلسله دست آوردهای ارزشمند هنری می شود. بنابراین، استعداد و درک زیبایی از جمله مواهب به ودیعت نهاده شده در وجود انسان است که به برکت آن، وی قادر است از طریق مطالعه و تامل در ظرافت های زیبای نظام آفرینش، زمینه کمال روحی و معنوی خود را فراهم سازد.

2. خودآرایی و زینت به عنوان بخشی از حس زیبایی، نه تنها آثار بسیاری در روح و روان فرد دارد بلکه موجب تعالی و رشد افراد جامعه نیز می شود. در مقابل، پرهیز از خودآرایی و پریشانی و ژولیدگی چون با خواست فطری انسان در تعارض است، به تدریج اثرات منفی در روان او به جای می گذارد که افسردگی روحی، عدم تعادل روانی و بی توجهی به نعمت ها و سرکوبی علائق طبیعی و... از جمله آنهاست. از آنجا که این امور، در نهایت به سلامت زندگی فرد و نظام اجتماعی زیان های جبران ناپذیری متوجه می سازد لذا، در احکام اسلامی به شیوه های مختلفی با این گونه رفتارها مقابله شده است. به عنوان مثال، در سیره اولیاء الهی همواره با این منطق غلط ناآگاهان که پرهیز از خودآرایی را دلیل وارستگی از قید نفس و بی اعتنایی به زخارف دنیوی به حساب می آورند به طور جدی برخورد شده است. زیرا، این کار علاوه بر این که موجبات نفرت دیگران را فراهم می آورد، با اصل عزت نفس و کرامت و منزلت انسانی همخوانی ندارد. مولی الموحیدین علی علیه السلام می فرمایند: «التجمل من اخلاق المؤمنین» (2) خودآرایی از ویژگی های خاص انسان های مؤمن است.

3. در رهنمودهای پیشوایان اسلام در مورد خودآرایی به موارد زیادی تصریح و تاکید شده است که از جمله آن هاست: لباس تمیز و آراسته، شانه کردن موی سر و صورت، نظافت بدن، خوشبو کردن بدن و لباس ها، پرهیز از کارهایی که دون شان انسان مؤمن است و...

4. هرچند اسلام توصیه به خودآرایی دارد، اما هرگز این امر را منحصر به زینت ظاهر نمی کند بلکه آراستگی به فضایل معنوی و اخلاقی را که زمینه ساز سعادت و کمال روحی او هستند. مهم تر از آراستگی ظاهر می شمارد. به عبارت دیگر، اسلام با تعالیم حیات بخش خود نخست به ایجاد اعتدال در اخلاق و فضیلت های روحی می پردازد و پیروان خود را به درک زیبایی های مافوق عالم ماده رهنمون می کند، و آنان را از گرفتارشدن به هرگونه سطحی نگری در این مساله نجات می بخشد. در عین حال، تلاش می کند که افراد فقط به زینت ابعاد ظاهری جسم و محیط زندگی خود نپردازند. در اشاره به چنین واقعیتی علی علیه السلام می فرمایند: «زینة البواطن اجمل من زینة الظواهر» (3) زینت درونی از زینت ظاهر بسیار زیباتر است. چه، هم از نظر تاثیر و هم از نظر ماندگاری، زینت درونی در کمال حقیقی انسان مؤثرتر است.

5. گرچه در مجموعه تعالیم اسلامی به خودآرایی توصیه و تاکید فراوان شده است اما به جهت در امان ماندن از عوارض منفی افراط و تفریط در خودآرایی و مدگرایی، حدود و چارچوب خاصی نیز برای آن تعیین شده است. به عنوان مثال، تاکید شده است که وسیله خودآرایی یا محیط آرایایی اولاً، باید حلال باشد و از راه مشروع تهیه شود. ثانیاً، سبب اسراف در سرمایه ها و استعداد نباشد. ثالثاً، از هرگونه شائبه تجمل پرستی و جنبه خودنمایی داشتن بری باشد. رابعاً، به گونه ای نباشد که زمینه تحریک هواهای نفسانی و امیال جنسی دیگران را فراهم کند. خامساً، به صورت تقلید کورکورانه از دیگران انجام نگیرد و... در یک کلام از بررسی تعالیم اسلامی به دست می آید که اسلام نه تنها خودآرایی را منع نمی کند بلکه به شیوه معقول و منطقی بر آن تاکید می کند. در عین حال،

همیشه و در همه حال، از افراط و تفریط در هر چیزی منع می کند. (4)

پی نوشت ها :

1. فرهنگ معین، ج 3، ص 3957
2. شرح غرر و درر آمدی، ج 1، ص 307، حدیث 1175
3. پیشین، ج 4، ص 117، حدیث 5503
4. جهت اطلاع بیش تر رجوع کنید به: آیین بهزیستی اسلام، ج 2 و 4 مراجعه فرمایید.